**شرح حال چند تن از رجال دوره افشاریه: حاج علی قلیخان کازرونی**

**بیگلری، بیژن**

شرح‏حال چند تن از رجال دورهء افشاریه‏ حاج علی قلیخان کازرونی

حاج علی قلیخان یا خواجه علی قلی کازرونی از بزرگان فارس و از سرکردگان‏ لشکری نادرشاه،کریم خان و جعفر خان زند بوده است.نامبرده پسر خواجه محمد رضا کازرونی است که در جنگ طهماسبقلی خان(نادر)با محمد خان بلوچ در سال 1146 خواجه‏ محمد رضا با محمد خان متحد بود کشته شد و نادر شاه پس از غلبه و فتح،خواجه ابو الحسن‏ خواهرزاده خواجه محمد رضا را نیز از هر دو چشم کور کرد.و بعد حکومت کازرون را بوی‏ واگذار کرد و خواجه علی قلی را ملازم اردوی خود نمود و در سال 1149-ق لقب‏ خانی باو داده و از این به بعد به خواجه علی قلیخان معروف گردید و چون نادر شاه از وی‏ اطمینان پیدا کرد به حکومت کازرون که برای علی قلیخان حکومت موروثی بود فرستاد و سالها به حکومت آن سامان برقرار بود و در این مدت اهمیت و نفوذ زیاد برای خود کسب کرد.1

در سال 1167-ق فتحعلی خان افشار به دستور آزاد خان افغان برای تصرف شیراز می‏آمد و خود(آزاد خان)نیز به دنبال او حرکت می‏کرد.کریم خان زند که یکبار از وی‏ شکست خورده بود این‏بار در قصبه خشت آماده نبرد بود،علی قلی خان کازرونی چون خبر ورود آزاد خان را به شیراز شنید از کازرون با تفنگچیان کازرونی به صحرای خشت رفته به‏ کریم خان ملحق شد به‏طوری که او در این نبرد آزاد خان را به سختی شکست داد و به‏ عقب راند.2و از این به بعد علی قلی خان مورد توجه وکیل(کریم خان زند)قرار گرفت.

در سال 1175-ق کریم خان تصمیم به سرکوبی فتحعلی خان افشار که در آذربایجان‏ قدرتی بهم زده بود گرفت ازاین‏رو عده‏ای از سرکردگان فارس را به تهران احضار کرد که از آن جمله بود علی قلیخان و هفده نفر دیگر از اعیان فارس3ولی در جنگ قرا چمن‏ در همین سال،نزدیک تبریز،شیخ علیخان زند سردار کریم خان از فتحعلی خان شکست‏ خورد و عده‏ای از سپاه فارس فراری شدند.به گفته میرزا محمد کلانتر فارس علی قلیخان نیز جزو فراریان بود ولی او و عده‏ای دیگر در اصفهان دستگیر شدند و حکم صادر شد که علیـ- قلیخان را کور و بقیه را گوش و بینی بریده روانه دارند،اما به شفاعت میرزا محمد کلانتر (1)-بامداد-شرح حال رجال ایران ج 2،ص 454 تهران.

(2)-فسائی-فارسنامهء ناصری،ص 209.

(3)-فسائی-فارسنامهء ناصری،ص 213.

در حضور وکیل از مجازا صرفنظر می‏شود.1در سال 1199 که جعفر خان زند اصفهان‏ را فتح کرد.حاج علی قلیخان نیز در رکاب وی بود.کوهمره‏ای گوید:(حاج علی قلیخان‏ کازرونی را که از عهدی بعید از نجبای عظمای فارس و به شجاعت و مناعت موصوف بود سردار فوجی نموده که تمشیت و انتظام مملکت عراق(اصفهان)روانه و خود نیز با سپاهی انبوه‏ به جانب عراق روانه گردید...)2

حاج علی قلیخان آنگاه مأمور سرکوبی اعراب جندق در حدود کاشان گردید و محمد حسن خان عرب عاملی‏3حاکم جندق را دستگیر کرد و باو تأمین جانی داد.و با خود به اصفهان برد ولی جعفر خان به عهد و سوگند حاج علی قلیخاناعتنائی نکرده حکم به قتل‏ حاکم جندق داد.4علی قلیخان از این عمل وی برآشفت با افراد خود به حال تعرض به‏ کازرون رفت و بعد از ورود به آن شهر جمعی از سپاهیان کوهمره و ایلات آن حدود را به‏ گرد خود جمع کرد و در اضمحلال جعفر خان می‏کوشید.علما و اعیان فارس از جانب‏ جعفر خان به استمالت او رفتند و به لطایف الحیل او را به شیراز بردند ولی دو ماه و نیم بعد جعفر خان نقض عهد کرده در هیجدهم زمستان 1200-ق او را تبعید و محبوس نمود و محصلان‏ شدید بر سر متعلقان او بگرفتن جریمه مقرر....5

بگفته صاحب فارسنامه:(پس از چند روزی وی را به بهانه بی‏لیاقتی با جمعی از خوانین‏ زندیه در ارک وکیل زندانی کرد.)6آنها تا بیست و پنجم ربیع الثانی 1203 در زندان‏ بودند در صبح همانروز به تحریک حاج علی قلیخان و راهنمایی و معاونت چهار کس از غلام‏ بچگان حضوری جعفر خان،از راه بام به حرمسرای جعفر خان وارد شده و او را به قتل‏ می‏رسانند.7و سید مراد خان که جزو امرای محبوس بود برای مدت کوتاهی به فرمانـ- روائی رسید و حاج علی قلیخان را به رتبه امیر الامرائی فارس معین کرد8پس از اینکه‏ لطفعلی خان پسر جعفر خان به جای پدر جلوس کرد قاتلین پدر را به سیاست رساند و به شفاعت‏ حاج ابراهیم خان کلانتر فارس از قتل حاج علی قلی خان صرفنظر کرد.9

کوهمره‏ای در این‏باره نوشته:(حاج علی قلی خان کازرونی با آنکه اعظم قتله جعفر- خان پدر لطفعلی خان بود و دیگران بدون تحریک او هرگز توهم ارتکاب این امر خطیر در ضمیر صورت‏پذیر نمی‏شد تمام اعیان و سرداران فارس به اتفاق حاج ابراهیم خان شیرازی‏ (1)-میرزا محمد کلانتر فارس-روزنامه فارس به نقل از فارسنامهء ناصری ص 214.

(2)-گلستانه-مجمل التواریخ به تصحیح مدرس رضوی-تعلیقات کوهمره‏ای ص 288 چاپ 1320 تهران.

(3)-فارسنامهء ناصری ص 228.

(4)مجمل التواریخ تعلیقات کوهمره‏ای ص 288.

(5)-همان کتاب ص 289.

(6)-فارسنامه ناصری 229.

(7)-مجمل التواریخ به تصحیح مدرس رضوی.تعلیقات کوهمره‏ای،ص 289.

(8)-گلشن مراد به نقل از مجمل التواریخ،362.

(9)-همان کتاب،ص 291.

از لطفعلی خان تأمین جانی برای حاج علی قلی ان خواستند او نیز پذیرفت.)1باین‏ ترتیب باز از مجازات جان سالم بدر برد.در این هنگام خبر حرکت آقا محمد خان با شصت‏ هزار سوار به سمت فارس،باطلاع ایشان رسید و پس از مدتی حاج ابراهیم کلانتر در سال‏ 1205 شیراز را متصرف شد و لطفعلی خان زند را دیگر به شهر راه نداد و از طرفی حاج‏ علی قلیخان به تمهید ابراهیم خان کلانتر به او و آقا محمد خان پیوست و در سال 1206 حاج ابراهیم کلانتر برای قلع و قمع لطفعلی خان زند حاج علی قلیخان کازرونی را با عریضه‏ای نزد آقا محمد خان فرستاد و از او کمک خواست.2و به این ترتیب علیقلی خان‏ به طرفداری از آقا محمد خان قاجار درآمده علیه لطفعلی خان وارد در جنگلهای بین طرفین‏ گردید و به آقا محمد خان نزدیک شد.3

(1)-همان کتاب تعلیقات کوهمره‏ای،ص 292.

(2)-فارسنامه ناصری،ص 234.

(3)-بامداد-شرح حال رجال ایران،ج 2،ص 455.

از کتاب طرفه‏ها نوشته اقبال یغمائی

امیر تومانی بهاء الدوله

وقتی به سببی سپهسالار نسبت به شاهزاده حاج بهاء الدوله سرگران و نامهربان شد،و درپی بهانه بود که وی را گوشمالی دهد.روزی در فرصت‏ مناسب چندان از او نزد شاه سعایت کرد که اجازت یافت منصب امیر تومانی‏ وی را بگیرد.شادان از پیروزی بر حریف،شاهزاده را احضار کرد و گفت: شاه فرموده است که ترا از درجه امیر تومانی خلع و شمشیرت را باز کنم.

بهاء الدوله به نشان تمسخر خندید و گفت:به چشم،فرمان شاه را اطاعت،و شمشیرم را باز می‏کنم.اما حتما می‏دانی که من این منصب را به‏ ازای پیروزی در جنگ با دشمن،و گشودن قلعه‏ای نگرفته‏ام؛و حالا هم جنگی‏ نبوده که پشت بر دشمن کرده باشم و به جرم این خیانت خلع درجه شوم.پول‏ کلانی داده‏ام و این منصب را خریده‏ام؛بگو پولم را پس بدهد و منصبش را بگیرد.سپهسالار از جواب عاجز ماند،و شاهزاده همچنان تا پایان عمر امیر تومان بود.